

ابوبکر محمد زکریای رازی

نوشته: دکتر محمود نجم آبادی

قبل از شروع به اصل مطلب لازم دانستم سطوری چند در باب مقام علمی رازی در دنیا بنظر خوانندگان گرامی برسانم.

شناسائی مقام علمی ابوبکر محمد زکریای رازی از موضوعاتی است، که مدتها مطمح نظر تذکره نویسان و علماء و اطباء جهان قرار گرفته و عده ای از محققان و دانشمندان را بخود مشغول نموده است.

این امر پس از فوت رازی (یا در دوران وی) شروع شده، بدین معنی که چون وی طبیبی بوده که با تجربه سر و کار داشته و از طرفی کیمیاگر (شیمیست) نیز بوده، بعلاوه در دوران حیاتش شاهکارهای علمی و درمانی کم نظیری نموده لذا مشهور خاص و عام گردیده است.

از آن گذشته برای یافتن ماده حیاتی اکسیر اعظم (Elxir) که پیری را بجوانی و حجر الفلاسفه (Pierre Philosophale) که مواد را به طلا مبدل نماید بسیار اشتغال داشته، بدین مناسبت مشارالینان گشته، خاصه آنکه شاهکارهای علمی و طبی وی در قلمرو حکومت اسلامی شرق شهرت بسزا داشته، و اینهمه معارض که در تاریخ زندگی رازی میبینیم، و یا حکایاتی که از زندگی وی نقل مینمایند، همه دال بر آن است، که رازی در زمان حیات مشهور بوده است. اولین دفعه پس از مرگ رازی ابن الندیم صاحب الفهرست از رازی و مؤلفات و مقام علمی وی سخن گفته است.

پس از ابن الندیم، ابوریحان بیرونی رساله مخصوص، درباره آثار و مؤلفات رازی برشته تحریر در آورده، که بسیار ارزنده است، شایان توجه است، که دانشمندی همانند ابوریحان با آنهمه مقام بزرگ علمی از محمد زکریای رازی یاد آوری بسیار مجملی نموده، و شاید اولین دانشمند در تمدن اسلامی باشد که یکی از مؤلفاتش درباره آثار و مؤلفات دانشمند قبل از خود بوده است.

از آن پس آثار و کتب علمی و طبی رازی در دنیای متمدن آن زمان پراکنده شده و شهرت یافته است.

پس از بیرونی ابن جلیجل اندلسی در کتاب «طبقات الاطباء والحکماء» و پس از وی القفطی در کتاب تألیفی خود بنام «تاریخ الحکماء» و از آن پس ابن ابی اصیبعه در کتاب (عیون الانباء فی طبقات الاطباء) شرح حال و مقام استاد را متذکر گردیده اند.

بهمین نحو در مغرب زمین نیز شناسائی مقام علمی و طبی رازی به طالبان و عشاق علم بنحو شایسته انجام یافته است و این امر از سال ۱۴۸۶ میلادی در

اروپا شروع گردیده است . بدین معنی که کتاب «حاوی یا الجامع الحاضر لصناعة الطب» در شهر برشیا (Brescia) از شهرهای شمالی ایتالیا به لاتین ترجمه و بنام (Continens) و بعداً در سالهای ۱۵۰۹ و ۱۵۴۲ میلادی در ونیز (Venise) چاپ شده است .

باری بدین نحو استفاده از ترجمه آثار رازی بصورت کتاب چاپی (قبلاً از نسخ خطی استفاده میشده است) در دنیای غرب عملی گردید .

از قرن شانزدهم تا اوائل قرن بیستم تحقیقات سابق درباره رازی در دنیا دنبال شد ، منتهی از اواخر قرن نوزدهم میلادی به بعد محققان ضمن برخورد به آثار وی نتایج بسیار ارزنده‌ای از خود بیاد کار گذارده‌اند که نتیجه آن ترجمه و تشریح بسیاری از کتب و رسالات و مقالات رازی است . (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به مؤلفات و مصنفات ابو بکر محمد زکریای رازی تهران ، ۱۳۳۹ هجری شمسی ، انتشارات دانشگاه . شماره ۵۰۰ بسی و اهتمام نویسنده مقاله) .

اما در میان دانشمندان اروپائی معاصر دونفر درباره رازی و شناساندن مقام وی حقی عظیم بر این امر دارند. آندو یکی یولیوس روسکا (Julius Ruska) و دیگری پل کراوس (Paul Kraus) میباشد .

شادروان روسکا برای شناساندن رازی به‌العیان خدمتی عظیم نموده و تعداد زیادی مقالات و رسالات درباره دانشمندان ایرانی بیاد کار گذارده که شرح کامل آن در این مقاله میسر نیست .

بشرح این شادروان پاول کراوس نیز خدمات بسیار ارزنده‌ای در دنباله کارهای روسکا نموده و رساله «فهرست کتابهای محمد زکریای رازی» را که بیرونی تألیف کرده با شرح حال و طبقه‌بندی آثار استاد بسال ۱۹۳۶ میلادی و همچنین یازده رساله فلسفی و اقوال و نظرات رازی را تحت عنوان «رسائل فلسفیه» بسال ۱۹۳۹ میلادی با خواهشی و ملحقات و تصحیح‌های لازم بچاپ رسانده است .

در کشور ما از سی سال قبل باین طرف جنبش مطالعات و تحقیقات مربوط به رازی شروع گردید و این امر ابتدا از طرف علامه فقید عباس اقبال آشتیانی رحمه الله علیه و آقای محیط طباطبائی بعمل آمده است .

پس از این دو ، عده‌ای از محققان ایرانی نیز آثار و مؤلفات و نظرات رازی را تجزیه و تحلیل و ترجمه نموده و بصورت کتاب و مقالات چه در جرائد و چه در مجلات و با بصورت سخنرانی بهم میهنان و دانشمندان دنیا نشان داده‌اند .

مؤلفات رازی

اما تعداد مؤلفات رازی که مشتمل بر کتاب و رساله و مقاله در علوم مختلفه است قریب ۲۷۰ میباشد (بموجب گفته‌های مورخین و تذکره‌نویسان) که تعداد قریب صد عدد از آنها طبی میباشد . در میان کتب طبی رازی تعدادی بسیار ارزنده و از نظر علمی مشهور دنیا است که چندتای آنها در درجه اول اهمیت قرار دارد .

بنظر نگارنده ۳ کتاب از مؤلفات طبی رازی نسبت به سایر مؤلفاتش مهمتر و ارزنده تر است که عبارتند از:

- ۱- کتاب حاوی یا الجامع الحاضر لصناعة الطب .
- ۲- کتاب آبله و سرخک (کتاب الجدری والحصبة) .
- ۳- تاریخچه های طبی (قصص و حکایات المرضی) .

برای آنکه سیمای حقیقی طبی رازی بر خوانندگان گرامی این نشریه روشن گردد، کافی است که به تاریخچه های طبی رازی نظر نمائیم .

رازی از اولین اطبائی است (ابقراط قبل از رازی چند حکایت و گزارش طبی درباره بیماران دارد) که در هزار و صد سال قبل بمآند روش بیمارستانهای امروزی، گزارش حال بیماران و تاریخچه های آنها را (البته به تناسب زمان) همانطور که امروز در بیمارستانهای جهان برای درمان و تداوی بیماران در موقع ورود بیمار قبل از هر چیز در نظر میگیرند و پس از آن بمعالجه میپردازند، مجری داشته و این نکته اساسی را در جهان پزشکی از خود بیادگار گذارده و باطرزی که تقریباً میتوان گفت با اسلوب فعلی تفاوت زیادی ندارد بطلاب علم طب نشان داده است .

تاریخچه های مزبور سی و چهار عدد میباشد که بزبان عربی است. این تاریخچه ها بسال ۱۹۳۵ میلادی توسط دکتر ماکس میرهوف (Dr. Max - Meyerhof) بزبان انگلیسی ترجمه گردیده که باحواشی و ملحقات بسیار گرانبهائی بچاپ رسیده است .

از نسخ خطی تاریخچه های طبی رازی در بسیاری از کتابخانه های جهان، منجمله در کتاب بادلثیان (Bodleian) در اکسفورد و کتابخانه ملی ملک موجود است .

این تاریخچه ها در جشن بزرگداشت استاد رازی بسال ۱۳۴۳ که در دانشگاه تهران برپا گردید از طرف نویسندگان این مقاله تحت شماره ۱۹۴۰ انتشارات دانشگاه بچاپ رسیده است .

قبل از آنکه نکات و ملاحظاتی که از خلال تاریخچه های طبی رازی بچشم میخورد تذکر داده شود، لازم است یادآوری نماید که رازی بظن قوی (نزدیک به یقین) در سنین بین سی یا سی و پنج و چهل بتحصیل طب پرداخته و برای این امر مدت کمی بدان اشتغال داشته سپس به طبابت در شهر بغداد مشغول شد و در این مدت کم توانسته است در این شهر که مرکز خلافت بود و عده زیادی طبیب کلیمی و نسطوری در آنجا به طبابت می پرداختند شهرت بسزائی یابد و یکی از بزرگترین اطباء شهر گردد و با اصطلاح طبی پزشک کلینیکی مشهور شود .

در این تاریخچه ها با سامی بیمارانی بر میخوریم که عموماً ساکنین بغداد و همه از طبقات متوسط و شهریه های ساکن مرکز خلافت بوده و بسیاری از آنها ایرانی بوده اند، که در میان آنها نام عده ای از یک خانواده بچشم میخورد . اکنون بشرح مختصر نام و شغل و وضع بیماران رازی میپردازیم :

الف) اسامی بیمارانی که در تاریخچه ها آورده عبارتند از عبدالله پسر سواده و یک نفر دیگر از خانواده سواده (تاریخچه های اول و بیست و چهارم) علك حسابدار (تاریخچه دوم) ابن عمرویه (تاریخچه سوم) محمد فرزند حسین

(تاریخچه پنجم) ابی‌الحسین خیاط (تاریخچه هفتم) خالد طبری (تاریخچه نهم) ، عبادی (تاریخچه دهم) دختر حسین بن عبدویه و پسر حسین بن عبدویه و پسر حسن بن عبدویه (تاریخچه های یازدهم و دوازدهم و بیست و نهم) ابن ادریس (تاریخچه سیزدهم) ابن عبدالمؤمن (تاریخچه چهاردهم) زن جمعویه (تاریخچه پانزدهم) حسن دربان (تاریخچه شانزدهم) زن قسار (تاریخچه بیست و سوم) زن ابوعیسی (تاریخچه بیست و ششم) حسن صراف (تاریخچه بیست و هشتم) خواهر وراق ؟ (تاریخچه سی و یکم) ابن دلیل (تاریخچه سی و دوم) ابن عمرو بن وهب (تاریخچه سی و سوم) ابن نصیر (تاریخچه سی و چهارم) تمام حاکی از آن است که رازی طبیب معالج آنان بوده ، اسامی خانواده سواده و عبدویه و همچنین زن ابوعیسی (تاریخچه بیست و ششم) میرساند که رازی طبیب خانوادگی آنها بوده است .

ب) در مورد مشاغل بیماران رازی حرفه‌های حسابدار ، تاجر ، پنبه فروش ، خیاط ، زرگر ، دربان ، مسگر ، بزاز ، کتاب فروش صراف را می‌بینیم که تمام آنها از نظر شغل جزو طبقات متوسط شهر بنظر می‌رسند . فقط در میان این تاریخچه‌ها نامی از یکی از نجباء و بزرگان برده شده است .

مشاغلی که در بالا ذکر گردید مشاغلی نیست که در قریه یا قصبه‌ای باشد بلکه بیشتر بنظر می‌رسد که در بغداد بوده و چنانکه میدانیم در این شهر بازارها و محلات چندی بنام شافلین و کسبه شهرت داشته است .

ج) نام‌های عمرویه و عبدویه و جمعویه می‌رساند که از اسامی مسلمانان ایرانی باشد و بیشتر حدس زده میشود که ایرانیان مسلمان ساکن بوده که در بیمارستان یا مطب بوی مراجعه کرده‌اند .

د) عده‌ای از بیماران حکایات طبی رازی ، همسایه‌های رازی بوده‌اند

همسایه ما بزاز ، و همسایه ما شیخ مسلول ، (تاریخچه هیجدهم و بیست

و هفتم) .

این موضوع می‌رساند که رازی در عین آنکه در بیمارستان بطبابت اشتغال داشته در منزل (یا مطب شخصی) هم بحال آنان رسیدگی مینموده و باز بنظر می‌رسد بیشتر این بیماران در بغداد سکونت داشته‌اند .

ه) آنچه که بیشتر به یقین نزدیک است آنکه رازی بیماران موضوع تاریخچه‌های طبی را در بغداد دیده‌است ، بجهت آنکه در طی شرح آنها و ذکر نشانه‌ها برای شهر بغداد بیشتر متناسب است ، چون رازی غیر از ری و بغداد (و چند صباحی طبق گفته نظامی عروضی سمرقندی برای طبابت امیر سامانی مشغول بوده که حتمی نمیباشد) ، در جای دیگر بطبابت نپرداخته است و اصولاً رازی طبیب کلینیکی و بیمارستانی بوده است .

بهر حال نشانه‌های بیماران بیشتر به محلات (یا کوچه‌ها یا دروازه‌های) بغداد شبیه‌تر است تا جای دیگر بمانند :

«درب النعل» (تاریخچه هیجدهم) و «دار الاقوال» (در تاریخچه بیست و

دوم) ، با ذکر مشاغل بیماران چنانکه مذکور افتاد تمام مربوط به شهر بغداد است .

و) اما اسامی بیماران عموماً مربوط به بیماران مسلمان است همانند محمد و حسن و حسین و خالد و عبدالله و عبدالؤمن و عمرو و امثال آنها و نام خانوادگی‌ها هاشمی و عبادی است . فقط در میان بیماران يك نام دیده میشود که (نظیف) باشد که بنظر میرسد یونانی یا رومی باشد (نظیر این کلمه در میان اطباء بیمارستان عضدی نظیف القس رومی میبینیم ؟).

ز) بهر حال با توجه باینکه طبابت در بغداد تقریباً در انحصار اطباء کلیمی و نسطوری بوده و این دسته از اطباء نبض مردم و درمان آنها را درست داشتند و اعتماد همه را بخود جلب نموده بودند ، با ملاحظه تاریخچه‌های طبی رازی و مراجعه به تاریخ طب اسلامی به نکته بسیار معتبری برخورد مینمائیم که :

رازی توانسته است در مدت اقامت خود در بغداد اعتماد مردم را بخود جلب نموده و سد بزرگی که در حقیقت از طرف کلیمیان و نسطوریان در برابر اطباء ایرانی مسلمان ایجاد شده بود بشکند .

در خاتمه این مقال چند نکته برای تکمله سیمای طبی رازی متذکر میگرددیم که مزایای فوق العاده برای این طبیب بزرگ ایران میباشد . نخست آنکه رازی طبیبی بیمارستانی یا با اصطلاح امروزی طبیب کلینیسین

(Medecin des Hopitaux و Clinicien) بوده .

دوم آنکه وی طبیبی بوده که با تجربه سروکار داشته است بدین مناسبت ویرا طبیب مجرب Experimentateur لقب داده اند .

سوم آنکه روش تدریس وی در طب تقریباً همانند روش کنونی با نشان دادن بیمار برای تشخیص بیماری بوده است .

چهارم آنکه مؤلفات طبی وی عادی نیست بلکه اغلب نتیجه تجارب و اعمالی و آزمایشهایی است که در بیمارستانها نموده و این مطلب از مطالعه رسائل و کتب وی بخوبی مشاهده میگردد .

پنجم آنکه رازی علاوه بر آنکه در طب مقامی ارزنده دارد در داروسازی و داروشناسی و شیمی ید طولائی داشته که اگر جانب طب را کنار گذاریم وی شیمی دان بزرگی بوده است . کشف الکل (الكحول Alcohol) و جوهر گوگرد (Acide Sulfurique) بوی منسوب میباشد . وی اولین فردی است که استحضالات شیمیائی (preparation Pharmaceutique) را در طب وارد ساخته است .

ششم آنکه رازی اولین طبیبی است که فرق بین آبله و سرخک و تفاوت بین آبله معمولی و آبله مرغان را در کتاب بسیار ارزنده خود بنام «کتاب الجدری والحصبه» بیان داشته است (برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به ترجمه کتاب مزبور بسمی و اهتمام نویسنده مقاله انتشارات دانشگاه شماره ۱۰۴۰ سال ۱۳۴۴ هجری شمسی).

تهران - تیر ، ۱۳۴۵